

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

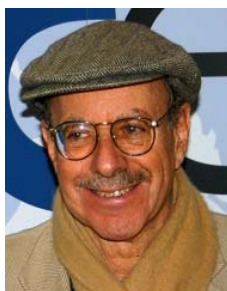
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس  
برگردان از: آمادور نویدی  
۱۴ اپریل ۲۰۱۷

## جهش بزرگ چین به پیش



جیمز پتراس

مقدمه:

سرمقاله نویسان مجله‌های علمی و مالی امریکا، رسانه‌های جمعی و «کارشناسان آسیائی» معاصر و سیاستمداران مترقی و محافظه کار غربی، مانند قورباغه‌ها از مرداب ملالت انگیز خود، یکصدا درباره سقوط قریب الوقوع و محیط زیست چین، قور قور می‌کنند و ابوعطا می‌خوانند.

قورباغه‌ها به طور نامنظم اعلام می‌کنند که

(۱) اقتصاد چین در حال افول است؛

(۲) غرق در بدهی‌ست و حباب املاک و مستغلات چین آماده ترکیدن است؛

(۳) چین مملو از فسادست و با آلودگی مسموم شده است؛

(۴) کارگران چینی در اثر استثمار و تشدید نابرابری طبقاتی، در برابر افزایش سرکوب اعتصاب می‌کنند و در حال برپائی اعتصابات فلج کننده هستند.

قور قور قورباغه‌های مالی درباره چین شامل تهدید نظامی حتمی امنیت ملی و شرکای آسیائی امریکا نیز می‌شود. قورباغه‌های دیگر برای گرفتن مگسی در آسمان خیز برمی‌دارند – استدلال می‌کنند که اکنون چین تهدیدی برای کل جهان‌ست.

این « داوران روز محشر چین»، با «کارنامه اعمال ننگین خود» و با افسانه های مندرآوردی عجیب و غریب و چشم انداز رنگ آمیزی شده، که در واقع اجتماع خودشان را منعکس می‌کند، واقعیت را به طور سیستماتیک تحریف کرده و می‌کنند.

درحالی‌که که ادعاهای دروغین آن‌ها تکذیب شده است، قورباغه ها تنها لحن خودشان را تغییر می‌دهند: زمانی‌که پیش‌بینی سقوط قریب الوقوع چین به واقعیت نپیوست، آن‌ها یکسال یا حتی یک دهه به کریستال شعبده بازی خود اضافه می‌کنند. زمانی‌که هوشدارهای گرایش‌های اجتماعی، اقتصادی و ساختار منفی ملی، به جای این‌که در مسیر مثبت حرکت کند، با انگشتان چابک قورباغه‌ها دامنه و عمق بحران را دوباره اندازه گیری می‌کند، و به «آیات» پخش شده در برخی از روستاها یا شهرهای کوچک، و یا حتی به محاوره و گفت و شنید رانندگان استناد می‌کنند.

تا زمانی‌که شکست طولانی مدت پیش‌بینی قورباغه‌ها تحقق نیابد، کارشناسان داده های خود را دوباره تکرار می‌کنند تا اعتبار آمار رسمی چین زیر سؤال ببرند.

از همه برتر، کارشناسان «آسیائی» و محققان جهت «واژگونی نقش\*» خود تلاش می‌کنند: در حالی‌که پایگاه‌ها و کشتی‌های جنگی امریکائی به طور فزاینده ای چین را محاصره کرده اند، چین به تجاوزگر تبدیل می‌شود و امپریالیست‌های امریکائی آماده به جنگ، از قربانی بودن خود آه و ناله می‌کنند.

این مقاله در نظر دارد که با بُرش از باتلاق این دروغ‌ها، جایگزینی ارائه دهد که به طور عینی‌تر واقعیت اجتماعی – اقتصادی و سیاسی چین را شرح می‌دهد.

[https://en.wikipedia.org/wiki/Role\\_reversal](https://en.wikipedia.org/wiki/Role_reversal) \*

### چین: افسانه و حقیقت

ما بارها درباره اقتصاد «دستمزد ارزان» و استثمار وحشیانه کارگران برده توسط الیگارش‌ها و مقامات سیاسی فاسد میلیاردی چین خوانده ایم. در واقع، میانگین دستمزد در بخش تولیدی چین در طول این دهه، سه برابر شده است. نیروی کار چین دستمزدهائی دریافت می‌کند که با یک استثناء مشکوک، از کشورهای امریکای لاتین بیش‌ترست. دستمزد کارگران تولیدی چین در حال حاضر مانند دستمزد آن کارگران سیار کم‌درآمد کشورهای اتحادیه اروپاست. در همین حال، رژیم‌های نئولیبرال، تحت فشار اتحادیه اروپا و امریکا، دستمزدها را در یونان به نصف، و در برزیل، مکزیک و پرتغال به طور قابل توجهی کاهش داده اند. دستمزد کارگران در چین، اکنون از ارجنتاین، کلمبیا و تایلند بیش‌تر است، در حالی‌که به استاندارد اتحادیه اروپا و امریکا بالا نیست، اما دستمزد سال ۲۰۱۵ چین، ۳ دالر و ۶۰ در ساعت بود – و استاندارد زندگی را برای ۱ میلیارد و ۴۰۰ هزار کارگر توسعه داد. در طول آن زمانی‌که چین دستمزد کارگانش را سه برابر کرد، دستمزد کارگران هندی ۷۰ سنت در ساعت و دستمزد کارگران آفریقای جنوبی از ۴ دالر و ۳۰ سنت به ۳ دالر و ۶۰ سنت کاهش یافته است.

این افزایش جالب در دستمزد کارگران چینی تا حد زیادی نشانه ازدیاد بهره وری است، که ناشی از بهبود ثابت سلامت کارگران، آموزش و پرورش، آموزش فنی، همچنین فشار پایدار کارگر سازمان‌یافته و مبارزه طبقاتی است. کمپین موفقیت آمیز رئیس جمهور شی جین پینگ جهت حذف و دستگیری صدها هزار از مقامات و کارفرماهای کارخانه های استثمارگر و فاسد، قدرت کارگران را افزایش داده است. کارگران چینی در حال بستن شکاف با حداقل دستمزد امریکا هستند. در نرخ رشد کنونی، این شکاف، که از یک دهم تا نصف دستمزد امریکا در ده سال کوچک شده است، در آینده نزدیک نیز از بین می‌رود.

چین دیگر کشوری صرفاً اقتصاد صادرات‌گرا و مونتاژگر، با کار متمرکز، غیر ماهر، و با دستمزد پائین نیست. امروز از بیست هزار آموزشگاه فنی، میلیون‌ها کارگر فارغ التحصیل می‌شوند: کارخانه‌ها با فن آوری بالا در حال ادغام روبات‌ها در مقیاس بزرگ جهت جایگزین کردن کارگران غیرماهر هستند. بخش خدمات جهت نیاز بازار مصرف داخلی در حال افزایش است. چین که با رشد خصومت نظامی و سیاسی امریکا روبه‌رو شده است، بازار صادرات خود را متنوع کرده است و از امریکا به روسیه، اتحادیه اروپا، آسیا، امریکای لاتین و افریقا روی آورده است.

علی‌رغم این پیشرفت‌های عینی قابل توجه، کُر «قورباغه‌های کلامبردار» به تولید پیش‌بینی‌های سالانه از زوال اقتصاد چین ادامه می‌دهد. تجزیه و تحلیل آن‌ها با رشد ۷/۶ درصد تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۶ اصلاح نشده است؛ قورباغه‌ها «کاهش» تولید ناخالص ملی چین را به ۶/۶ درصد، دلیلی برای اثبات جلوه‌گری سقوط چین در سال ۲۰۱۷ پیش‌بینی کرده‌اند! کُر شیفته و دیوانه «کلامبرداران وال استریت»، زمانی‌که امریکا تولید ناخالص ملی را از ۱ درصد به یک و نیم درصد اعلام کرد، با دیدن واقعیت هم منصرف نمی‌شود!

در حالی‌که چین مشکلات جدی زیست محیطی خود را تأیید می‌کند، اما جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای متعهد به هزینه کردن میلیارد‌ها دلار (۲ درصد از تولید ناخالص ملی خودست)، و کارخانه‌ها و معادن (نامناسب با محیط زیست) را می‌بندد. تلاش چینی‌ها بسیار فراتر از امریکا و اتحادیه اروپاست.

چین، مانند بقیه آسیا، همچنین امریکا، جهت بازسازی زیرساخت در حال زوال یا غیرموجود خود، به افزایش وسیع سرمایه‌گذاری نیاز دارد. دولت چین در میان کشورها در حفظ و حتی فراتر از رشد نیازهای حمل و نقل خود یکتاست – و در سال ۸۰۰ میلیارد دلار جهت خطوط هوایی، بنادر دریائی، راه آهن سریع‌السر، راه آهن، متروهای فرودگاه‌ها و پل‌سازی هزینه می‌کند.

در حالی‌که امریکا تجارت چندملیتی و معاهدات سرمایه‌گذاری با یازده کشور پاسیفیک را رد کرده است، چین تجارت جهانی و معاهدات سرمایه‌گذاری را با بیش از پنجاه کشور آسیا و پاسیفیک (منهای جاپان و امریکا)، همچنین کشورهای افریقای و اروپائی را ترویج و تأمین مالی کرده است.

رهبری چین تحت رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ کمپین مبارزه با فساد در مقیاس بزرگ را راه‌اندازی کرده است که منجر به دستگیری یا برکناری بیش از ۲۰۰ هزار بیزنس (کسب و کار فاسد) و مقامات عمومی، از جمله اعضای ارشد کمیته مرکزی گشته است. متعاقب این کمپین ملی، خرید لوازم لوکس به طور قابل توجهی کاهش یافته است. تمرین استفاده از بودجه عمومی جهت ساخت استادانه‌های ۱۲ نوع غذایی و تشریفات هدیه دادن و گرفتن رو به کاهش گذاشته است.

در همین حال، علی‌رغم کمپین‌های سیاسی جهت «تخلیه باتلاق» و همه‌پرسی پوپولیستی موفق در غرب و با وجود گزارشات روزانه از کلامبرداری و تقلب که شامل صدها بانک سرمایه‌گذاری پیش‌تاز در جهان انگلو – امریکائی‌ست، هیچ آثاری که مشابه کمپین مبارزه با فساد در چین باشد، در وجود جهان امریکا و انگلیس ریشه ندارد. کمپین مبارزه با فساد چین موفق به کاهش نابرابری‌ها می‌شود. این کمپین بروشنی حمایت قاطع کارگران و کشاورزان چینی را کسب کرده است.

روزنامه‌نگاران و آکادمیک‌هایی که دوست دارند طوطی وار گفته‌های جنرال‌های ناتو و انگلو – امریکائی را تکرار کنند، هوشدار داده‌اند که برنامه نظامی چین تهدید مستقیمی برای امنیت امریکا، آسیا، و در واقع بقیه جهان است.

فراموشی تاریخی به این عمیق‌ترین قورباغه‌های غوطه‌ور سرایت کرده است. و فراموش کرده‌اند که چگونه امریکا در پساجنگ جهانی دوم به کوریا و هندوچین (ویتنام، لائوس و کامبوج) حمله کرد و آن‌جا را نابود ساخت، و بیش از ۹

میلیون از ساکنان، از هر دو، غیرنظامی و مدافعان را کشت. امریکا به فیلیپین حمله برد، آنجا را در تغییر قرن به مستعمره و نومستعمره تبدیل ساخت، و تا یک میلیون شهروند فیلیپینی را کشت. امریکا به ساخت و گسترش شبکه پایگاه‌های نظامی خود جهت محاصره نظامی چین ادامه می‌دهد. امریکا اخیراً راکت‌های تاد مجهز به بمب هسته‌ئی قدرتمند را به مرز کوریای شمالی منتقل کرده است، که از آنجا قادر است به شهرهای چین و روسیه حمله کند. امریکا بزرگترین صادرکننده اسلحه در جهان است و از مجموع پنج بازرگان تولیدکننده و فروشنده پیش‌تاز سلاح مرگ پیشی گرفته است.

در مقابل، چین در صد سال گذشته نه به هیچ کشوری حمله یک‌جانبه و تجاوز کرده و نه کشوری را اشغال نموده است. چین راکت‌های هسته‌ئی در سواحل یا مرزهای امریکا قرار نداده است. در واقع، چین حتی یک پایگاه نظامی در خارج از کشور ندارد. پایگاه‌های نظامی چین، در جنوب بحیره چین، جهت حفاظت از مسیرهای دریائی حیاتی خود از دزدان بحری و تحریک‌های فزاینده ناوگان نیروی بحری امریکا ایجاد شده اند. بودجه نظامی چین، که برنامه ریزی شده است تا ۷ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یابد، هنوز کمتر از یک چهارم بودجه نظامی امریکاست.

امریکا به نوبه خود، اتحادهای نظامی تهاجمی را ترویج می‌دهد، رادار و راکت‌های ماهواره‌ئی هدایت شده را در مرزهای چین، ایران و روسیه نصب می‌کند، و کوریای شمالی را تهدید به نابودی از روی کره خاکی کرده است. برنامه نظامی چین دفاعی بوده و همچنان دفاعی خواهد ماند. افزایش نظامی چین پاسخیست که به تحریک امریکا بستگی دارد. ضربه امپریالیستی خارجی چین بر مبنای ستراتیژی بازار جهانیست، در حالی‌که واشنگتن همچنان به دنبال ستراتیژی امپریالیستی نظامیست، که جهت تحمیل سلطه جهانی با استفاده از زور طراحی شده است.

### نتیجه گیری

قورباغه‌های روشن‌فکر غربی به مدت طولانی و بلند ابوعطا خوانده اند. آن‌ها خرامان راه می‌روند و مانند حیوان مگس‌خوار پیش‌تاز ژست می‌گیرند. اما از نظر تجزیه و تحلیل عینی هیچ چیز معتبری ندارند. چین مشکلات جدی اجتماعی، اقتصادی و ساختاری دارد، اما چینی‌ها به طور سیستماتیک با مشکلات مقابله می‌کنند. چینی‌ها متعهد به بهبود اجتماع، اقتصاد و سیستم سیاسی خود بر مبنای شرایط خودشان هستند. چینی‌ها در حالی‌که از قربانی کردن حاکمیت ملی و رفاه مردم خود امتناع می‌کنند، اما به دنبال حل مشکلات سؤال برانگیز عظیم هستند. سیاست رسمی امریکا جهت مقابله با چین به عنوان یک جهان سرمایه داری رقیب، احاطه چین با پایگاه‌های نظامی و تهدید به اخلاص در اقتصاد چینست. و به عنوان بخشی از این ستراتیژی، رسانه‌های غربی و به اصطلاح «کارشناسان»، مشکلات چین را بزرگ و مشکلات خودشان را کوچک جلوه می‌دهند.

خلاف چین، امریکا با حداقل ۲ درصد رشد غوطه ورست، دستمزدها برای دهه‌ها راکد است؛ دستمزدهای واقعی و استاندارد زندگی کاهش می‌یابند. هزینه‌های تحصیل و مراقبت‌های بهداشتی سربه فلک کشیده اند، در حالی‌که کیفیت خدمات حیاتی به طور چشمگیری کاهش یافته اند. هزینه‌ها در حال رشد هستند، بی‌کاری در حال افزایش است و خودکشی کارگران و مرگ و میر در حال رشد است. این کاملاً حیاتیست که غرب پیش‌رفت‌های چشمگیر چین را بپذیرد تا یاد بگیرد، وام بگیرد و الگویی مشابه از رشد مثبت و برابری حقوق را پرورش دهد. همکاری بین چین و امریکا جهت ترویج صلح و عدالت در آسیا ضروریست.

متأسفانه، رئیس‌جمهور سابق امریکا و ترامپ رئیس‌جمهور کنونی، مسیر رویارویی نظامی خصمانه‌ای را علیه چین در پیش گرفته اند. دو دوره دولت اوباما نشان‌دهنده رکورد جنگ‌های شکست خورده، بحران‌های مالی، رشد زندان‌ها، و

کاهش استانداردهای زندگی داخلی است. اما با همه قورقورهای خود، این قورباغه ها، که در اتحاد با یک دیگر و با صدای بلند ابوعطا می‌خوانند، جهان واقعی را تغییر نخواهند داد.

**درباره نویسنده:**

جیمز پتراس، استاد بارنل (بازنشسته) جامعه شناسی در دانشگاه بینگهامتون، نیویورک است.

**برگرداننده شده از:**

<http://petras.lahaine.org/?p=2132>